

پی آمد جهاد

شده ای دل زهر دو دیده گریان
 به میهن فتنهء گردید بریا
 جهاد بودی شعار کینه ورزان
 نبود کافر ولی ابداً گردید
 صدای نعره تکبیر زهر جا
 شنیدم کز مجاهد نیم هزار تن
 ز دالر و سلاح بی حد فراوان
 همه بودند ملا و رهبر دین
 سلاح مدهش الحاد و تکفیر
 نبود چون دانش و فرهنگ بالا
 گروهی مردم نادان و جاهل
 به دستور اجانب بود مقرر
 تباه گردید زملیون بیش افغان
 به روی مرده ها و ملک ویران
 ولی در ملک هزاران رهبران بود
 بیفتادند به جان و مال ملت
 ز بهر چوکی و مقام و ثروت
 یکی با دیگری اندر ستیز شد
 بشد معدوم به کابل شصت هزاران
 هزارانی ز فیر توپ و هاوان
 بودی این ابتدای ذلت و وهم
 به هردوری مجاهد یا که طالب
 همه در خدمت اغیار بودند
 پیام شان بودی ز اسلام تباهی
 به زیر چتر اسلام خلق افغان
 ز دور حضرت و ملا ربانی
 همه غدروفریب و چال و نیرنگ
 بری گفتا ز درد ملت زار

برای ملت محروم و حیران
 زمکر دشمن و از فکر اعدا
 فریب ذهن بود بر هر مسلمان
 که تا فکر جهاد آید به تمهید
 ز بهر فتنه و شر گشت بالا
 شدند در خدمت عدوی میهن
 گسیل شد از برای نیمه مردان
 بپاشیدند به هر جا زهر تفتین
 سنانی بود به قلب علم و تنویر
 بشد جمعی اسیر وهم و اغوا
 به پا گشتند برای رزم باطل
 که تا این ملک شود با خاک برابر
 به نام کفر و الحاد و مسلمان
 بشد وارد یکی رهبر هر اسان
 امیر ان مجاهد خصم جان بود
 بکشتند و ببردند بر غنیمت
 فتادند در پی تخریب و وحشت
 بساط زنده گی ویران و ریز شد
 ز زن و طفل و پیر و نوجوانان
 شدند مدفون به زیر سقف ویران
 ز بد بد تر بیامد در پی هم
 و یا هم این مسلمانان کاذب
 بچا پیدند، بکشتند و ببردند
 فساد و فسق و نیرنگ و سیاهی
 بشد خوار و ذلیل و خانه ویران
 زاخند عمر و کرزی مداری
 بساط کینه است و نفرت و جنگ
 اسیردر پنجهء مکار و غدار